

کارگران باید ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرند!

در تدارک اول مه

صفحه ۴

گفتگو با رحمان حسین زاده

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت فریده آرمان!

شرم آور است!

ضد زن های اسلامی در کمیسیون "مقام زن" سازمان ملل

صفحه ۶

سعید یگانه

مضحکه انتخابات و کلاه بدون خرگوش

صفحه ۷

سیوان کریمی

زنده باد روز صاحبان جهان

صفحه ۸

فخری جواهری

اول ماه مه روز اعلام همبستگی و اتحاد بین المللی طبقه کارگر

صفحه ۹

نسرین محمودی آذر

برای اول ماه مه!

صفحه ۱۱

احمد بابائی

قرنطینه، (Lockdown)، با حقوق کامل و الزامات آن

۵۹۲

همبستگی کمونئیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۳ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۲۳ آوریل ۲۰۲۱

مذاکرات و چوبه های دار

ما کارگران هیچوقت خواهان "فشار حداکثری" و تحریم اقتصادی نبودیم. ما تحریمهای تجاری را سازماندهی یک جنایت جمعی تلقی کرده ایم که کمترین ضربه ای به حکومت اسلامی نمیزند اما دود آن به چشم مردم کارگر و زحمتکش میرود. ما کارگران همواره تاوان و هزینه جنگ و رقابت و قهر و آشتی دولتهای متخاصم سرمایه داری را پرداخته ایم. نتیجه برجام اول برای ما کارگران و اکثریت عظیم مردم ایران فقر و بیکاری بیشتر بود. خیرش دیمه نود و شش واکنش انفجاری و گسترده ما به این وضعیت بود. امروز هم هر توافقی صورت بگیرد، هر میزان سرمایه بلوکه شده آزاد شود، نه منفعت و حقوق ما را در بردارد و نه یک تومان آن به سفره ما اضافه میشود. اما به ما مربوط است که سازمان ملل به جنایتکاران اسلامی مقام میدهد و به تن کریه ضد زن ترین عناصر امتحان پس داده ردای "مدافع حقوق زن" می پوشاند. به ما مربوط است که مدافعان دکان حقوق بشر و دموکراسی برای ماشین کشتار حکومت اسلامی علیه مردم محروم دست تکان میدهند.

جمهوری اسلامی و شریک تجاریش دولت چین، رکورد دار اعدام در جهان هستند. سال گذشته و در اوج فلاکت اقتصادی و پاندمی کرونا، ماشین اعدام و جلادان قوه قضاییه فعلا نه کار کردند. زندانها

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مذاکرات و چوبه های دار ...

مملو از زندانی بود و شکنجه و تحقیر و سناریو سازی و احضار و تهدید یک لحظه متوقف نشد. بارها تلاش کردند زندانیان دیمه نود و شش و آبان نود و هشت را اعدام کنند، گاهی زیر فشار موقتاً عقب نشستند اما با اعدام عزیزانی چون نوید افکاری زخم جدیدی به پیکر جامعه و طبقه کارگر زدند. هم اکنون نیز برای اعدام هادی کیانی، محمد بسطامی، مجید نظری، مهدی صالحی و عباس محمدی از بازداشتی ها و زندانیان اعتراضات دیمه نود و شش در اصفهان کمین کرده اند. هادی کیانی مانند نوید افکاری یک کارگر است، از تبار محرومان و معترضان که در دیمه و آبانماه خروشیدند.

هر وقت جمهوری اسلامی مشغول مذاکره با شرکای غربی و شرقی است، باید توجه بیشتری به ماشین اعدام حکومت داشت. چوبه های دار و فعالتر شدن ماشین اعدام جزو مکمل مذاکرات و دیپلماسی حکومت اسلامی است. حکومتی که یک جامعه را در فاجعه تمام عیار فقر و کرونا اسیر کرده و کمترین مسئولیتی بمثابه دولت نمی پذیرد، به اعدام برای ارباب و تمکین جامعه نیاز دارد. آنها بیشتر از خود مردم ظرفیتهای انفجاری جامعه را می شناسند و تنها راهی که به مغز علیل شان خطور میکند، سرکوب و اعدام است.

مسئله ما کارگران و مردم محروم نه برجام است نه مضحکه انتخابات. مسئله فوری ما تامین نان شب، برخورداری از لوازم یک زندگی در شأن انسان و دستمزد جوابگوی نیازهای امروز، برخورداری از درمان و دسترسی به دکتر و خدمات پزشکی، واکسیناسیون فوری و بدون تعلل رایگان و همگانی است. مسئله ما مسدود شدن پرونده های قضائی، الغای احکام اعدام و آزادی کلیه زندانیان سیاسی است.

مذاکرات هدف خود را سازش و بند و بست با حکومت اسلامی قرار داده است. فعال شدن ماشین اعدام در دوره سکوت های حقوق بشری، ترجمه داخلی این بند و بست است. سیاست ما برهم زدن این صف و این معادله است؛ سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی! این معیار تشخیص دوستان و دشمنان جنبش طبقه کارگر برای آزادی جامعه است.

سردبیر.

۲۳ آوریل ۲۰۲۱

کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملتی" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارتاکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهائی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۱



مرگ بر جمهوری اسلامی!

کارگران باید ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرند!

به حکم وضعیت برده واری که به ما طبقه کارگر در سطح جهان تحمیل شده است، سرمایه داری جابگویی نیازهای بشر امروز نیست. لذا امروز انقلابات کارگری علیه حکومتها و نظم سرمایه داری از هر زمان ضروری تر است و لازم است که رهبران طبقه کارگر در هر کشور ابتکار عمل سیاسی را در مقیاس جامعه برای تغییر رادیکال به نفع خود در دست بگیرند. دولتهای سرمایه داری با اعمال زور و با پشتوانه پارلمانها و رسانه ها و دستگاه مذهب، هر روز به گوشه ای از دستاوردها و زندگی طبقه کارگر حمله می کنند. تنها در پاندمی کرونا باندازه یک جنگ جهانی مهیب کشته دادیم، تا اوائل آوریل قریب سه میلیون نفر! وجود جوامع فقزرده و بیکاری انبوه در دهه سوم قرن بیست و یکم، آنهم در عصر انقلابات انفورماتیک و تکنولوژیک و در اوج توانائی انسان کارکن برای تولید نیازهای بشر، محصول منفعت زمینی نظم و وارونه سرمایه در همین عصر مدرن است. همه دولتهای حاکم در جهان حافظ و مجری این مناسبات وارونه و استثمارگر سرمایه داری هستند.

در بحران اقتصادی جهانی دولتهای سرمایه داری با سیاست حمایت مالی از سرمایه داران و اعمال ریاضت اقتصادی علیه کارگران جلو رفتند و در پاندمی کرونا این سیاست را با بیکارسازی و استثمار شدیدتر به اوج رساندند. تنها در یکسال، علیرغم ورشکستگی بخشی از سرمایه ها و بیکاری وسیع در مشاغل کوچک و خدماتی، شاخه های قدرتمندتر سرمایه سوپر سودهای نجومی انباشت کرده اند. میلیاردیهای جهان طی یکسال پاندمی کرونا بعضا چند برابر و دو برابر بر ثروت شان افزوده اند و به همین تناسب سطح زندگی میلیاردها کارگر سقوط کرده است. بجای آنکه تحولات عظیم در رشد بارآوری کار به آزادی و برابری و رفاه ساکنین کره خاکی ترجمه شود، به اسارت و نابرابری بیشتر و فلاکت اقتصادی، به گیگ اکونومی، به بیکاری و ناامنی همیشگی شغلی و پرت شدن به ورطه گرسنگی معنی شده است. پاندمی کرونا تاثیرات ماندگار بر شرایط کار و زندگی کارگران خواهد داشت. از حالا معلوم است که سودآوری نجومی سرمایه داری بعد از کرونا را باید ما کارگران تامین کنیم.

اما این تنها راه و تنها مسیر ممکن نیست، پرولتاریا میتواند سد محکمی در مقابل تعرض سرمایه ببندد. این نظام وبال گردن بشریت کارگر شده و جابگو نیست. این نظام امکانات و ثروت و دانش و تکنولوژی و نیروی خلاقه در اختیار دارد، اما همه دستاوردهای بشر را به کالا و تجارت و وسیله کسب سود بدل کرده است. بدون تردید و با رفع بیشتر محدودیت ها، کارگران در هر گوشه جهان علیه این اوضاع پبامیخیزند. طبقه کارگر برای پایان دادن به فقر و بیکاری و تبعیض، تنها باید بعنوان رهبر آزادی جامعه به میدان بیاید. تمام آنچه که بورژوازی ادعا

میکند که نمیتواند بدهد و یا نمیخواهد بدهد، دولت انقلابی کارگری میتواند تامین و تضمین کند. کارگران بعنوان یک طبقه و یک جنبش عظیم با پرچم سوسیالیستی، میتوانند راه حل این اوضاع باشند، حاکمیت بورژوازی را ساقط کنند و قدرت را بدست گیرند.

اگر بدست ما کارگران باشد با امکانات و ثروت عظیمی که خود خالق آنیم، رفاه و آزادی و سعادت همگانی را تامین و تضمین میکنیم. اگر بدست ما کارگران باشد، با هزینه ای که صرف دستگاه عریض و طویل دولتها، پارلمانها، ارتشها و نیروهای سرکوبگر نظامی، نهادهای مذهبی و بورکراسی میشود، فقر و گرسنگی و بیکاری موجود را بسرعت پایان میدهیم. اگر بدست ما کارگران باشد، بنیاد تبعیض و نابرابری، نفس مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید اجتماعی، نفس مناسبات مزدبده و مزدبگیر، اصل تولید با هدف کسب سود و انباشت سرمایه را بطرق انقلابی تغییر میدهیم. اگر بدست ما باشد، این دنیای وارونه را که بر سر ایستاده است، روی پاهایش میگذاریم، در رفع تناقض انسان با طبیعت حرکت خواهیم کرد و جامعه و اجتماعی براساس هماهنگی انسان آزاد و نیروی خلاق با همنوع و کار و طبیعت برپا خواهیم کرد. برای اینکه بدست ما کارگران باشد، انقلاب ضروری است؛ انقلابی زیر و رو کننده با هدف سرنگونی سرمایه داری و اوضاع موجود هرآنطور که هست. در شرایط پاندمی کرونا، در هر گوشه جهان، دولت موظف به تامین لوازم زندگی مناسب و حقوق و دستمزد جابگویی این نیازها، تامین رایگان درمان و بهداشت و واکسیناسیون است. اینها از خواستههای محوری اول مه در ایران و هر گوشه جهان است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اول مه روز جهانی کارگر را به طبقه کارگر جهانی، طبقه کارگر ایران و کمونیست ها و آزادیخواهان تبریک میگوید. اول مه روز اتحاد طبقاتی و جشن کارگران، روز اعلام عزم طبقه کارگر برای تغییر ریشه ای این نظام است. فراخوان ما اینست، هر جا که مقدور است و با رعایت پروتکلها بهداشتی، اول مه را با برگزاری اجتماعات گرامی بداریم. در سخنرانی ها و قطعنامه ها و مانیفست های اول مه، ادعانامه کارگری علیه کاپیتالیسم و مصائب آن را اعلام و برای بیشترین اتحاد و همسرنوشتی طبقاتی بکوشیم.

ما می گوئیم ایجاد جامعه ای به دور از کار مزدی و استثمار فرد از فرد، به دور از مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید، به دور از فقر و بیکاری و زشتی های امروز جامعه سرمایه داری، ممکن است. سرمایه داری جابگو نیست، دنیای دیگری ممکن است؛ حکومت کارگری، یک نظام شورائی سوسیالیستی! در روز اول مه بر اتحاد طبقاتی، بر ضرورت، مطلوبیت و مبرمیت آلترناتیو کارگری پای میفشاریم.

کارگران تنها یک راه مطلوب پیش رو دارند؛ انقلاب کارگری!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۷ فروردین ۱۴۰۰ - ۶ آوریل ۲۰۲۱

در تدارک اول مه

گفتگو با رحمان حسین زاده

رضا کمانگر: قبل از وارد شدن به مسائل مشخص، برای آشنایی نسل جوان کارگران و فعالین علاقمند، لازم میدانم، از خصلتهای پایه ای مناسب اول مه شروع کنیم، این خصلتها کدامند؟

رحمان حسین زاده: به نظرم یادآوری خصلتهای پایه ای و هویتی روز اول مه بسیار ضروری است. چون اول مه صرفاً محدود به یک آکسیون و اجتماع کارگری در روز جهانی کارگر نیست. این جنبه هست، اما این مناسبت حاوی پیام طبقاتی و مبارزاتی و انترناسیونالیستی مهم برای طبقه کارگر در سراسر جهان است.

اولین مساله: برجسته شدن شفافتر از همیشه خصلت طبقاتی جامعه سرمایه داری است. در پروسه رفتن به استقبال اول مه و به ویژه در روز اول مه، صف بندی طبقاتی و تقسیم جامعه به دو اردوی متفاوت طبقاتی برجسته تر از همیشه خود را نشان میدهد. در همه کشورها، حتی کشورهای استبداد زده و مختنق که دولتهای تماماً ضد کارگری و سرکوبگر سرکارند، با وجود همه مشکلات و موانع، جنب و جوش و تحرک برای تدارک گرامیداشت اول مه در میان جمعیت صدها میلیونی انسان مزدبگیر، در جریان است. این در حالی است که اقلیت سرمایه دار در هر کشور، از فرارسیدن اول مه هراسان است و متکی به دولتهای سرکوبگر و به انواع شیوه در مقابل گرامیداشت اول مه مانع تراشی میکنند. یعنی در این روز و در این مناسبت، دنیای ظاهراً یکپارچه و واحد کنونی به دو دنیای تماماً متمایز و متفاوت تقسیم میشود. از یک طرف دنیای اکثریت عظیم جامعه، طبقه کارگر و اردوی انسان کارکن و مزدبگیر و در مقابل آن دنیای اقلیت استثمارگر سرمایه دار. هیچ روزی همانند روز اول مه این صف بندی طبقاتی را در مقابل چشمان بشریت کره زمین قرار نمیدهد.

دومین مساله، اول مه سبب اعتراض کارگر به نظم موجود و سیستم حاکم سرمایه، به استثمار و ستم طبقاتی و اجتماعی است. در این مناسبت و این روز، وارونگی نظم موجود، اینکه چرا تولید کنندگان مستقیم نه تنها صاحب حاصل کار خود نیستند، بلکه در بدترین و محرومترین شرایط زندگی بسر میبرند. اینکه ادامه حیات آنها به مزدبگیری و فروش مداوم نیروی کار گره خورده است. جلو چشم آنها حاصل کارشان به انباشت سرمایه و تامین سودهای نجومی سرمایه داران منجر میشود. در نتیجه کارگران در سطح جهانی به این مناسبات و به این شکاف و تبعیض طبقاتی معترضند. در نتیجه اول مه، روز طرح کیفرخواست طبقه کارگر علیه نظم کاپیتالیستی است.

خصلت شاخص دیگر: اول مه روز اتحاد و همبستگی طبقاتی، روز تلاش برای فایق آمدن بر تفرقه و پراکندگی در صفوف طبقه کارگر است. یک حربه طبقه بورژوا نهادینه کردن تفرقه در صفوف کارگران است. تفرقه شغلی و صنفی، تفرقه مذهبی، ملی، جنسی، نژادی، رنگ پوست و موارد تجربه شده دیرینه است. در اول مه و به شهادی آکسیونها و رژه ها و اجتماعات کارگری و طرح ادعایها

کارگری علیه کارکرد سرمایه داری، در بسیاری از کشورها و در ابعاد جهانی این تفرقه ها کمرنگ میشود. اول مه سرخی به تلاش برای تحقق واقعی شعار مشهور "کارگران جهان متحد شوید" است.

بالاخره، روز جهانی روز تعطیلی کار است. طبقه کارگر با تعطیل کار، اولاً

جایگاه مهم خود را در تولید اجتماعی نشان میدهد و مهمتر موجودیت و قدرت طبقاتی و اعتراضی خود را در این روز به صحنه میکشد. روز جهانی کارگر فرصتی است که اجتماعات و رژه ها و متینگهای کارگری شکل میگیرد، بیانیه و قطعنامه ها و ادعایها کارگری علیه نظم سرمایه مطرح میشود. اتفاقاً پتانسیل و فشار اعتراضات روز کارگر موجب تغییرات و بهبودهای جدی در شرایط کار و زندگی طبقه کارگر جهانی شده است. به این دلایل، بورژوازی هنوز در بسیاری کشورها تعطیلی روز کارگر را به رسمیت نمیشناسد، تا این ظرفیتهای طبقه کارگر امکان بروز پیدا نکند.

رضا کمانگر: امسال اول مه را در چه شرایطی برگزار میکنیم، فعالین کارگری با چه مسائلی روبرو هستند؟

رحمان حسین زاده: به شرایط مشخص در ایران بپردازیم، در این مصاحبه فرصت نیست، به شرایط در سطح جهانی بپردازیم، البته شیوع کرونا در همه کشورها مانع و محدودیت جدی در مقابل سوخت و ساز نرمال جامعه و طبعاً تحرک اعتراضی و متینگها و رژه کارگری در اول مه ایجاد کرده است، اما در ایران بدو گسترش فقر، گرسنگی، بیکاری تکان دهنده است و سپس فاجعه کرونا شرایط را حاد و دردناک کرده است. به اینها نفس تداوم حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی، با فضای سرکوب و بگیر و ببند و بازداشت و زندان فعالین کارگری و اجتماعی را لازمست در نظر گرفت. پیامدهای این وضعیت یعنی محدودیت و موانع جدی در مقابل تلاش برای گرامیداشت شایسته اول مه. در کنار محدودیتها و موانع اما نفرت و انزجار و پتانسیل اعتراضی تلنبار شده و در حال فوران را نباید دست کم گرفت. در همین یکسال اخیر اعتصابات کارگری مستمر و موثر از جمله در هفت تپه و همزمان در بالاتر از پنجاه مرکز کارگری نفت و گاز و پتروشیمی، اجتماعات اعتراضی سراسری و منظم یکشنبه های بازنشستگان و اعتراضات اخیر معلمان، نشان میدهد روند اعتراضات جاری وضع موجود را تحمل نمیکند. یعنی هم محدودیت و هم زمینه و ظرفیت شکل گرفتن اجتماعات اعتراضی در اول مه هست. فعالین و پیشروان کارگری با دقت و همه جانبه لازمست این اوضاع را ببینند و اقدامات لازم در گرامیداشت اول مه را در دستور بگذارند.

رضا کمانگر: کرونا تا چه اندازه میتواند، در مقابل مراسمهای کارگری اول مه مانع درست کند؟ آیا کلاً این مراسمها را از دستور خارج میکنند؟ یا کاری باید کرد؟

رحمان حسین زاده: طبعاً تحرک برای گرامیداشت اول مه را نمیتواند از دستور خارج کند، اما همانطور که بالاتر اشاره شد، موانع ایجاد کرده است. رفع موانع ایجاد شده، ابتکار و خلاقیت جدید و جدی



در تدارک اول مه

گفتگو با رحمان حسین زاده ...

و نهایتاً یک اقدام بسیار مهم میتواند ارائه ادعای کارگری سراسری شفاف در فرمت بیانیه و قطعنامه و هر شکل دیگر که اعتراض رادیکال کارگری علیه کابینالیسم و مصائب آن را در شرایط امسال نمایندگی کند. در شرایط مشخص ایران، چنین ادعای، علیه گسترش فقر و گرسنگی و بیکاری و بیماری و فاجعه کرونا باید هشدار دهد. اعلام کند دولت موظف است با فوریت تامین معیشت، سلامت و واکسیناسیون همگانی رایگان را برای همه شهروندان تامین کند. دستمزد زیر خط فقر تعیین شده توسط دولت را قاطعانه رد و افزایش دستمزد تامین کننده زندگی شایسته خانواده کارگری را اعلام کند. سرکوبگری و بازداشت و اذیت و آزار فعالین کارگری و اجتماعی را محکوم کند و خواهان آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شود. از مبارزات حق طلبانه بازنشستگان و معلمان و زنان و نسل جوان حمایت کند. چشم انداز همبستگی و همگامی جنبش کارگری با دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال را ترسیم کند. نهایتاً جا دارد از پرستاران، پزشکان، کارکنان بیمارستانها و بخش خدمات و درمان که در صف مقدم مبارزه با ویروس کرونا بوده و فداکاری و نوعدوستی انسانی را به نمایش گذاشتند، عمیقاً قدردانی شود.

میطلبد. واضح است، گرامیداشت اول مه صرفاً به تحرک آکسیونی در یک روز محدود نیست. جنب و جوش و مباحثه و اقداماتی که از قبلتر و هم اکنون در سطح جنبش کارگری، در مراکز کارگری و در میان فعالین کارگری و چپ و کمونیستها در جریان است، اینها خود بخش مهمی از گرامیداشت اول مه است. به شبکه های اجتماعی و رسانه ها و نشریات سازمانهای کارگری و نیروهای چپ و کمونیست و میزگردها و سمینارها و بیانیه ها و حجم وسیعی از تبلیغ و آگاهگری حول مناسبت اول مه و یادآوری درسها و تجارب مبارزاتی آن نگاه کنید، همه انعکاس خودآگاهی طبقاتی و تلاش برای ایجاد بیشترین اتحاد و همسرنوشتی مبارزاتی در مناسبت اول مه و بستر مساعدی برای پیشرویهای آتی است. فاجعه کرونا و موانع ایجاد شده آن نمیتواند این سنتها و تحرک مبارزاتی را از ما و طبقه کارگر بگیرد. به علاوه تصور من اینست با در نظر گرفتن پروتکلهای پزشکی و بهداشتی شاهد اجتماعات شایسته اول مه خواهیم بود.

رضا کمانگر: به عنوان سوال آخر این برنامه، به نظر شما چه اقدامات و ابتکاراتی برای تدارک اول امسال لازمه در دستور کار فعالین کارگری قرار بگیرد؟ چه باید کرد؟

رحمان حسین زاده: ابتکارات قابل مشاهده ای در مراکز و رشته های کارگری و در سطح جنبش کارگری و نیروهای چپ و کمونیست شروع شده است. اقدامات کنکرت در داخل را فعالین مستقیماً سازمانده و دست اندرکار با در نظر گرفتن تناسب قوا و شرایط مشخص میتوانند در دستور بگذارند. با در نظر گرفتن این نکته، بنا به تجاربی که هست بر این اقدامات میتوان تاکید کرد:

- در مراکز و رشته های کارگری، و محل کار قاعدتاً موضوع اول مه و چگونگی تدارک برای گرامیداشت آن لازمست در دستور باشد. تاریخچه و سابقه و سنت و تجارب و دستاوردهای اول لازمست به نسل جوان کارگران منتقل شود. در همان مراکز و محل کار چند روز مانده، به اول مه، میشود یک ساعتی کار را متوقف کرد، کارگران اجتماع کنند و به نحو سمبلیک مراسمی برپا کنند. سخنانی ایراد شود. قطعنامه و بیانیه حاوی اهداف و خواسته های کارگری ارائه شود. بر تعطیلی کار در روز اول مه پافشاری کنند. (منهای مراکز و رشته هایی که بنا به نیاز جامعه تعطیلی کار ممکن نیست) بر محکم کردن اتحاد و همبستگی و سروسامان دادن به مجمع عمومی محل کارشان تاکید کنند.

به نظرم جنبه مهم دیگر اینست رهبران و فعالین کارگری مراکز و رشته های کارگری مختلف به مناسبت اول مه هدفمند و موثر در ارتباط با هم قرار بگیرند. اقدامات مشترک مبارزاتی را در سطح شهر و استان و در سطح سراسری در دستور بگذارند. با درس گرفتن از اجتماعات مستمر بازنشستگان در یکشنبه ها امکان احتمالی اجتماع و آکسیون در روز اول مه را بررسی و در این رابطه تصمیم مناسب را بگیرند. طبقاً باید فرضمان باشد که توزیع و نصب بنر و پلاکارد و پوستر اول مه و برجسته کردن شعارهای مناسب با این روز در دستور کار است.

پیام تسلیت به مناسبت

درگذشت فریده آرمان!



با تأسف فراوان امروز ۲۲ آپریل ۲۰۲۱ رفیق نازنین فریده آرمان، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران بعد از دوره ای جدال با بیماری سرطان درگذشت.

رفیق فریده نمونه ای از رنج و مبارزه یک نسل از کمونیست های ایران بود. جمهوری اسلامی شریک زندگی اش رفیق مهدی میرشاهزاده را اعدام کرد. چند سال بعد، تروریست های جمهوری اسلامی در لارناکای قبرس، رفیق غلام کشاورز، شریک زندگی وی را در مقابل چشمان فریده و مادر و برادر غلام ترور کردند. افسوس بیماری به وی مجال نداد تا در محاکمه آدمکشان و تروریست های جمهوری اسلامی شرکت کند. رفیق فریده آرمان در چند دهه گذشته بیوقفه برای جامعه ای شایسته انسان مبارزه و تلاش کرد.

ما درگذشت رفیق فریده آرمان را به اعضای خانواده، همزمان سالهای طولانی اش و رفقاییش در حزب کمونیست کارگری ایران صمیمانه تسلیت میگوئیم.

یاد فریده عزیز و مهربان گرامی باد!

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ آپریل ۲۰۲۱

شرم آور است!

ضد زن های اسلامی در کمیسیون "مقام زن" سازمان ملل

سعید یگانه

پنجشنبه ۲۲ آوریل گزارش شده است که نمایندگان جمهوری اسلامی به عضویت کمیسیون "مقام زن" سازمان ملل به مدت ۴ سال انتخاب شده اند. این کمیسیون زیر مجموعه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد است و ماموریتش "گسترش برابری جنسیتی و ارتقای موقعیت زنان در کشورهای جهان است". دستکم ۴ کشور از ۱۵ کشور اروپایی که در این رای گیری شرکت داشته اند به جمهوری اسلامی رای داده اند. این انتخاب خشم فعالان حقوق بشر را برانگیخته و چنان سیاه و شرم آور است که هلیل نوبر، مدیر اجرایی دیدبان سازمان ملل نیز، عضویت ایران در این کمیسیون را "عجیب و از نظر اخلاقی غیر قابل قبول خواند و آن را روزی سیاه برای حقوق زنان و حقوق بشر" توصیف کرد. و من اضافه می کنم که "واقعا شرم آور" است که سازمان ملل به خود اجازه می دهد که یکی از هارترین و ضد زن ترین حکومت های جهان را به عضویت کمیسینی که آنهم در جهت بالا بردن "مقام زن" تشکیل شده، انتخاب کند. آیا اصولا زن در جمهوری اسلامی حرمت و احترام و حقوقی دارد که این ماموریت را به او بسپارند؟ رژیم می که بطور سیستماتیک زنان را مورد اذیت و آزار قرار می دهد. این است احترام و مقام و حقوق زن در سازمان ملل!

زن حاکمیت به آنها بی حرمتی می شود و حقوق آنان در ابتدایی ترین سطح، لگد مال می شود.

از سازمان ملل و کمیسیونهای پوشالی آن انتظاری بیش از این نیست. حقوق بشر و حقوق زن در این سازمان به سادگی مورد معامله سیاسی قرار می گیرد، اما نباید



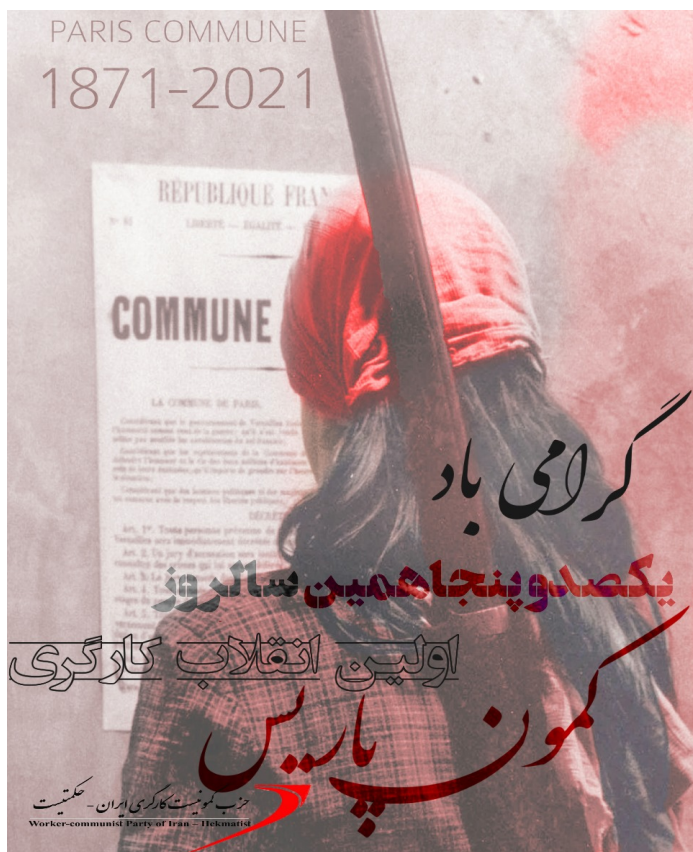
افکار عمومی و بشریت آزادیخواه در مقابل این بی حرمتی و چشم پوشی بیشتر از چهار دهه جنایت و سرکوب زنان در جمهوری اسلامی ساکت باشند. بویژه در شرایطی که نه تنها زنان، که میلیونها انسان کارگر و زحمتکش این جامعه علیه فقر و فلاکت و جنایت رژیم اسلامی بپاخواسته اند. انتخاب نمایندگان ضد زن جمهوری اسلامی، خاک پاشیدن به چشم مردم منتظر و بیزار از حکومت اسلامی است.

انتخاب مردم، بخصوص زنان، کارگران و مردم محروم، به گور سپردن جمهوری اسلامی است. سازمان ملل و کشورهای سرمایه داری مدافع جمهوری اسلامی، ببخود تلاش می کنند رژیمی که پایش لب گور است و برای مرگ آن روزشماری می شود، زیر بغل آن را بگیرند که نیفتد. از نظر مردم ایران رژیم اسلامی مشروعیتی ندارد و این تقلاها نمی تواند رژیم کنونی را از این منجلاب نجات دهد. مردم بیزار از جمهوری اسلامی و بخصوص زنان تحت ستم در ایران این رای به جنایتکاران ضد زن را برای عضویت در کمیسیون "مقام زن" سازمان ملل تقبیح و محکوم می کنند.

۲۲ آوریل ۲۰۲۱

آقای هلیل نوبر گفته است که "انتخاب جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از زنان مثل این است که شخصی را که عمدا آتش برپا می کند را به عنوان رئیس آتش نشانی یک شهر انتخاب کرد" و من اضافه می کنم که این انتخاب مثل این است که "سازمان مدافع حقوق زن" را به دست یک انسان مریض و ضد زن سپرد" و انتظار داشت که حقوق زن در آن رعایت شود. واقعا در این سازمان و کمیسیون های این چنینی اش را باید گل گرفت.

راستش حرمت زن، نزد سازمان ملل و کشورهای عضو آن همین است که می بینید و حقوق بشر هم به همین مقدار و درجه قرب و احترام دارد. این انتخاب در شرایطی است گزارشگر همین سازمان در اسفند ۹۹ در مورد رعایت حقوق بشر در ایران، از وضعیت زنان در ایران ابراز نگرانی کرده و گفته است که در ایران با زنان "مانند شهروندان درجه دو رفتار می شود". و کی است که نداند جمهوری اسلامی در ۴۲ سال گذشته چه بلایی بر سر زنان آورده است. این گزارشها در مورد "بی حقوقی زن در ایران" در آرشیو سازمان ملل تلبار شده و هر سال تکرار می شود. این انتخاب، آشکارا دهن کجی به میلیونها زن در ایران است که ابتدایی ترین حقوق آنان در جمهوری اسلامی نادیده گرفته شده است و زندگی برای اکثریت آنان جهنمی بیش نیست. این انتخابی است میان جمهوری اسلامی و زنان تحت ستم در ایران، تأیید جنایتهای رژیم اسلامی و حمایت از آن و یک معامله سیاسی و پشت پرده برای برای بده و بستان است. این بی حرمتی به میلیونها زن در ایران است که ۴۲ سال است به وسیله قوانین اسلامی و فرهنگ ضد



مضحکه انتخابات و کلاه بدون خرگوش

سیوان کریمی

زمانی جناحهای رژیم از برگزاری مضحکه انتخابات با عنوان یک رکن قدرت نام می‌بردند. اگرچه در همان دوره نیز، مخالفین رژیم اسلامی چنین صورت مسالهای را قبول نکردند. اما امروز، برگزاری هر نوع مضحکه انتخاباتی برای رژیم به چالشی بزرگ تبدیل شده است. پس از دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و سیر سعودی افزایش اعتراضات و اعتصاب کارگری، معلمان، پرستاران و بازنشستگان، حنای رژیم اسلامی برای طیفی که به آن متوهم بودند، کم رنگتر و حالا بی‌رنگ شده است. کمتر از دو ماه دیگر، رژیم اسلامی می‌خواهد بساط این مضحکه را دوباره راه بیندازد، اما با داستانی خالی.

دعوی درون جناحی رژیم در طول این چهار سال گذشته از سوی مردم جوانی قاطع گرفت. همکاسه کردن این دو جناح و گذاشتن نقطه‌ی پایان برای دو جناح و اعلام پایان ماجرای آنها، در همان روزهای اول طرح این شعار از سوی دانشجویان، با حمایت مردم زحمتکش جامعه روبرو شد. بازی با کارت اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در طول چهار دهه، همواره طیفی از جامعه و بخشی احزاب اپوزیسیون را به درون این بازی می‌کشاند. اما این دوره متفاوت است.

جناح موسوم به "اصلاح‌طلب"، چیزی برای رو کردن ندارد و هر چه در کلاه شعبده‌بازی خود می‌گردد، خرگوشی برای بیرون آوردن پیدا نمی‌کند. اما این جانیان رویی برای کم کردن ندارند. روزنامه آرمان در شماره روز چهارشنبه، اول اردیبهشت، در مصاحبه‌ای با یکی از این "اصلاح‌طلبان" نام خاتمی را دوباره مطرح کرده است. از او به عنوان کسی یاد می‌کند که می‌تواند تنور این مضحکه را داغ کند و آرای خاکستری را به خود جلب کند. اما دست و دلش می‌لرزد که او هم در چنین وضعیتی نباید خود را مطرح کند و وارد این بازی دو سر باخت نشود. مساله ایجاد یک حزب اصلاح‌طلب را توسط خاتمی مطرح می‌کند که باید خود خاتمی در راس آن باشد. با این وجود کماکان از حضور کم‌رنگ مردم هراسان است و می‌گوید که با همه این تدابیر، حضور مردم پایین خواهد بود. واقعیت این است که این طیف وظیفه خود را به نحو احسن برای رژیم اسلامی انجام داده است. اصلاح طلبی حکومتی طرحی برای خریدن عمر بیشتر برای رژیم اسلامی بود. جنایت‌های قاتلین دهه اول جمهوری اسلامی و بعداً "اصلاح طلب" و همینطور جنایت‌هایی که در دوران موسوم به اصلاحات مرتکب شدند، پرونده سیاه و قطوری است که باید تک تک آنها در دادگاه‌های مردمی محاکمه شوند. کسانی که بعد از خروج از دایره قدرت، خیابان‌های واشنگتن و نیویورک و لندن را مقصد خود کردند و روزانه از رسانه‌های آنها استفاده می‌کنند و به توجیه رفتار رژیم اسلامی می‌پردازند. کسانی که با پونز، روسری را بر سر زنان کردند و بند اول افتخارشان حضور در سرکوب مبارزان چپ و کمونیست در انقلاب ایران است. مشاوران دولت خاتمی که کشتار کوی دانشگاه را در کارنامه دارند و قتل‌های زنجیره‌ای در دوره آنها رخ داده است. اگر این تاریخ برای بخشی از جامعه، رنگ گذشت زمان را به خود گرفته، اما آسانی‌ها و دیمای‌ها دوران روحانی فریبکار و دروغگو را به یاد دارند. همه اصلاح طلبان

از همین خاتمی تا سلبریتی‌های دور و بر آن، انگشت‌های بنفش خود را در مقابل دوربین‌ها گرفتند و به عاملین این کشتارها رای دادند.

وجه مشترک جناحهای رژیم، تلاش برای خرید عمر برای رژیم اسلامی است. ابزار سرکوب، زندان، ارباب و اعدام هم به صورت مشترک و مداوم از سوی آنها مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد. تلاش هر دو آنها بقای نظام و بیرون آوردن شخصی از صندوق است که این پروسه را تداوم ببخشد.

وضعیت رژیم اسلامی پس از مضحکه انتخابات

سه محور اصلی سیاست در جامعه ایران پس از انتخابات سلامت و معیشت، بازگشت به توافق با غرب و اعتراضات داخلی است. مردم و طبقه کارگر به عنوان پیش‌قراول آنها، از رژیم اسلامی عبور کرده‌اند. مضحکه انتخابات خروجی جز گرفتن نیرویی جدید برای سرکوب ندارد. سلامت و معیشت مردم توسط این رژیم به گروگان گرفته شده است. بحران ناشی از گسترش شدید کرونا به خوبی نمایانگر این گروگیری جامعه است. اعتراضات داخلی به مساله معیشت و همچنین خواست عمومی برای تامین سلامت جامعه، رژیم اسلامی را در تنگنا قرار داده است. مساله برجام که مدت‌هاست به خاک سپرده شده، هیچ تغییری برای مردم نداشته و نخواهد داشت. فضای عمومی جامعه در دو هفته گذشته که رژیم با تمام توان خود در رسانه‌ها به دنبال بازگرداندن توهم به جامعه می‌باشد، نشان می‌دهد که این گزینه، حداقل برای مردم، نتیجه‌ای ندارد و جواب نمی‌گیرد. برای کنترل این مساله، تنها اتکا به نیروی سرکوب می‌تواند برای رژیم راه حل باشد.

اما مردم

مردم ایران لایق یک زندگی بهتر بر مبنای آزادی، برابری و رفاه هستند. ۴۲ سال حاکمیت رژیم اسلامی نشان داده است که رسیدن به هر کدام از این خواسته، حتی در مقیاس حداقلی، باید با عبور از رژیم اسلامی کلید بخورد. آنچه که باید به آن توجه کرد این است که تنها عبور از جمهوری اسلامی نمی‌تواند راهگشا باشد. ما مردم می‌دانیم که حداقل چه چیزی را نمی‌خواهیم. جمهوری اسلامی را نمی‌خواهیم. اما چه می‌خواهیم؟ اگر ما آزادی و برابری و رفاه را می‌خواهیم، تنها عبور از جمهوری اسلامی کافی نیست، اگر چه لازم است. حالا که نیروهای راست و حتی سلطنت‌طلبان به وجود یک خواست عمومی و گسترده برای تامین رفاه اجتماعی در جامعه اذعان می‌کنند و اعتراف می‌کنند که سوسیالیسم برای سالها خواست مردم است، چرا باید در این مضحکه این مساله را برای رژیم اسلامی ملموس نکنیم.

علیه مضحکه انتخابات باید بایستیم، رژیم اسلامی را باید افشا کنیم و به تمام بخش‌های جامعه بگوییم؛ تامین هر نوع آزادی و برابری و رفاه از یک نظام سوسیالیستی برمی‌آید.

بگوئیم مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد دولت انقلابی کارگری!

آوریل ۲۰۲۱



زنده باد روز صاحبان جهان

فخری جواهری

کارگران، هم طبقه ای ها، ای کسانی که هر روز چرخ های ماشین جهان را می‌گردانید، ای ناجیان جهان، ای تولید کنندگان همه ثروت عالم، ای همه چیزان که در سرمایه داری هیچ چیز محسوب میشوید... روزتان مبارک، روزمان مبارک، اول مه مبارک، عید کارگران جهان مبارک!

با افتخار می‌گویم من کارگرم، از خانواده کار و زحمتم، از نسل های متمدنی طبقه کارگرم! من را در خانه ای خشتی، روی سنگ معدن، در محله ای فقر زده بدنیا آوردند... من، تو، ما، همه غارت شدگانیم، اگر زنده ایم و زنده نگاه داشته شده ایم، برای اینست که کار کنیم و کار کنیم تا باز بچرخانیم چرخ جهان را، تولید کنیم نیاز بشر را، و سود به سود سرمایه دار تلمبار کنیم!

از ایران و سانوپولو و ترکیه تا کره و آمریکا و فرانسه، هر جا و همه جا صفمان بخون کشیده شد. چرا، چون صرفا بخشی از ثروتی که خود خالقش بودیم را مطالبه کردیم. اول مه مان، تاریخ طبقه مان، با آتش و خون نوشته شده است. پرچم مان سرخ، آرزویمان آزادی جهان و هدفمان تغییر رادیکال و ریشه ای است.

سرمایه داری گنبدیده است درست بسان سرمایه داران و دولت‌های جنایتکار علیه کارگران. نوبت ما هم می‌رسد؛ در پس یکی از این بحران‌ها، اینجا، آنجا، نمی‌دانیم کجا، اما نوبت ما هم می‌رسد!

آنروز درهم میکوبیم کهنه جهان جور و ستم، آنروز جارو می‌کنیم قوانین و نظام بردگی، آنروز آغاز میکنیم دنیای نو، دنیای کارگران، دنیای سوسیالیسم، دنیای انسان آزاد را!

آن روز برمی‌گردانیم تمام ثروت و خلاقیت آبا و اجدادیمان را، خوشبختی و سعادت و آزادی را برپا میکنیم، قانون بردگی مزدی و هر نوع بردگی را ور می‌اندازیم، تا بشکند گل‌های سوسیالیسم، تا دیگر طبقه ای نباشد، کودک کاری نباشد، کسی از گرسنگی تبا ن‌نشود و روی دوش فقر و نداری کاخ‌ها بپا نشود!

آنروز دور نیست، آنروز هر شب در قلب من فریاد می‌زند، و بیشتر از هر روز در اول مه، در روز کارگران جهان!

زنده باد اول مه، زنده باد اتحاد صفوف و مبارزه انقلابی کارگران برای یک دنیای بهتر!

آوریل ۲۰۲۱

سازمان ملل جمهوری جنایتکار و ضد زن اسلامی را با

دست پس میزند با پا پیش میکشد!

فخری جواهری



روز چهارشنبه شورای اقتصادی و سیاسی سازمان ملل رای به عضویت جمهوری اسلامی به عنوان عضو نهاد حقوق زنان داد.

هدف این سازمان از چنین تصمیمی به خوبی نشان داد که غرب علیرغم شاخ و شانه کشیدن برای جمهوری اسلامی و فشار آوردن به آن همچنان تلاش میکند زیر بغل او را بگیرد. هنوز دو هفته از خیر معاهده جمهوری اسلامی با چین نگذشته که سازمان ملل در باج دادن به جمهوری اسلامی را باز کرده است. اما اینبار سازمان ملل یک بی‌ابروئی و رسوایی بی‌بار آورده که هنوز مهر تصمیمش خشک نشده از هر گوشه دنیا اعتراض علیه این تصمیم بلند شده است. هلیل نویر مدیر اجرایی دید بان سازمان ملل آنرا "عجیب و غیر اخلاقی و غیر قابل قبول خواند". او همچنین گفت "انتخاب جمهوری اسلامی برای انتخاب حقوق زنان مثل این است که شخصی را عمدتاً آتش بر پا میکند را به عنوان رییس انش نشانی یک شهر انتخاب کنند".

ما زنان زادخواه و برابری طلب، جنبش آزادی زن ۴۳ سال است که با چنگ و دندان و با شجاعت تمام در مقابل حکومت ضد زن و اسید پاش ایستاده ایم و تا سرنگونی کامل و انقلابی این رژیم ضد زن از پا نخواهیم نشست. سازمانهای مترقی زنان دنیا و بشریت آگاه باید به این تصمیم سازمان ملل اعتراض کنند. سازمان ملل نهاد دولتهای سرمایه داری و ضد زن است و انتظار عجیبی از آن نباید داشت. این سازمان و دولتهای امپریالیستی هرچه به جمهوری اسلامی آوانس دهند و بند و بست کنند، سرنوشت جمهوری اسلامی در خیابانهای ایران تعیین می‌شود. منتظر شعارهای زنان و مردان آزادیخواه علیه سازمان ملل و کمیته کذائی حقوق زن آن باشید.

۲۲ آوریل ۲۰۲۱

1ST MAY

INTERNATIONAL WORKER'S DAY

ایستاد جامعه ای به روز کار مزدی و استعمار فرد از فرد.

به روز از مالکیت خصوص بر ابزار کار و تولید.

به روز از فقر و بیکاری و زشتی های امروز جامعه سرمایه داری

1ST MAY

ای گوئییم

مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!

اول ماه مه روز اعلام همبستگی و اتحاد بین المللی طبقه کارگر

نسرین محمودی آذر

در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز اعلام همبستگی و اتحاد بین المللی طبقه کارگر و اعلام کیفی خواست کارگران بر علیه نظام استثمارگر سرمایه هستیم، جهان همچنان زیر سیطره بورژوازی است و طبقه کارگر همچنان گرفتار جنایات و کشتار از جانب سرمایه داران و مزدوران بورژوازی است. در حالی که روز جهانی کارگر نزدیک میشود که اکثریت مردم و بخصوص طبقه کارگر بیشتر از هر زمان دیگری آماج یورش بیرحمانه ی نظام سرمایه داری تحت نام دفاع از حقوق بشر و دموکراسی به منظور افزایش سود سرمایه و انباشت بیشتر آن و استمرار و تداوم وضع موجود هستند.

اول ماه مه دیگری در راه است، اما جهان همچنان دستخوش حوادث و وقایعی است که سرمایه داری برای انسانها رقم میزند. اینک در قرن بیست و یکم با وجود ثروت سرشار و وفور منابع طبیعی موجود در کره زمین و به یمن رشد و شکوفایی صنعت و تکنولوژی امکان برخورداری انسانها از نعمات موجود و ایجاد رفاه و خوشبختی برای بشریت از هر زمان دیگری بیشتر ممکن شده است، اما بر خلاف تمامی این واقعیتها انسانیت توسط توحش و بربریت نظام سرمایه داری به زنجیر کشیده شده است. هر روز شاهد مرگ و نابودی انسانهایی هستیم که قربانی نظم واورنه ی دنیای سرمایه داری هستند. مرگ و میر انسانها بر اثر سو تغذیه، بیماری، نداشتن مسکن مناسب، افزایش آسیب پذیری در مقابل بلایای طبیعی، عدم دسترسی به بهداشت و درمان به خصوص در دوران شیوع کرونا (ویروس کوئید ۱۹) عدم توزیع متوازن واکسن در میان کشورهای جهان، جنگ و کشتار، گرانی و تورم، بیکاری، اعتیاد، تن فروشی، خودکشی و آپارتاید جنسی و تروریسم و ... تنها بخشی از عوارض حاکمیت نظام استثمارگر سرمایه بر جهان هستند.

در حالی که روز جهانی کارگر نزدیک میشود که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی حمله به معیشت طبقه کارگر و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به کارگران و زحمتکشان ابعاد وسیع تری یافته است. افزایش اخراج و بیکارسازیها، عدم پرداخت دستمزدها در موعد مقرر، تعیین و تحمیل حداقل دستمزد از عرصه های مهم اعتراض و نبرد طبقاتی طبقه کارگر علیه سرمایه داران و حکومت اسلامی سرمایه همچون سالهای گذشته است. امسال نیز تحمیل دستمزد چند برابر زیر خط فقر به طبقه کارگر در حالی صورت گرفت که کاهش ارزش ریال و پائین آمدن قدرت خرید مردم و افزایش لحظه ای نرخ تورم و گرانی و عدم ثبات قیمتها ابعاد وحشتناکی به خود گرفته است و بالا رفتن قیمتها به پدیده ای روزمره تبدیل شده است.

در یک سال گذشته جمهوری اسلامی همچون تمامی دوران حاکمیت قرون وسطایی خود اعتراضات کارگری را با بازداشت فعالین و رهبران کارگری و با زندان و بگیر و ببند پاسخ داده و میدهد اما این فشارها و سرکوبها نه تنها باعث فروکش کردن اعتراضات کارگری نشده بلکه به صورت چشم گیری شاهد گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری در

مراکز صنعتی و خدماتی هستیم، طبقه کارگر در مقابل تعرض افسار گسیخته ی جمهوری اسلامی به سفره خالی خود همچنان در حال مقاومت و اعتراض است و در مواردی برای آزادی فعالین و رهبران کارگری جلوه هایی از اتحاد و همبستگی خود را به نمایش گذاشته است. در سالی که گذشت مبارزات طبقه کارگر

برای بهبود شرایط کار، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا، لغو کارکنتراتی، حق اعتصاب و تشکل و افزایش دستمزدها و پرداخت حقوق معوقه و ... ادامه پیدا کرد به گونه ای که پایه های حکومت اسلامی را به لرزه در آورده و سردمداران حکومت اسلامی و در راس آن ولی فقیه در نهایت استیصال و ناامیدی برای کاستن از دامنه ی اعتراضات کارگری از تاثیر و نقش "ضد انقلاب" در سازماندهی اعتراضات سخن به میان آوردند تا بلکه بتوانند با این حربه جنبش کارگری را به عقب برانند.

امسال به دلیل همهگیری بیماری کرونا و شرایط ویژه ای که بر جهان و به تبع آن ایران حاکم است، برگزاری مراسمهای اول ماه را با مشکل و محدودیتهای جدیدی روبرو کرده است، رعایت پروتکلها بهداشتی تنها مانع برگزاری این گونه مراسمات نیست و همچون سالهای گذشته لشکرکشی نهادهای امنیتی و سنگ اندازیهای تشکلهای زرد دولتی برای جلوگیری از برگزاری مراسمهای مستقل کارگری در اول ماه مه توسط کارگران همچنان ادامه دارد، طبیعی است که جمهوری اسلامی به عنوان هارترین نماینده و حافظ منافع بخشی از بورژوازی مخالف برگزاری جمععات کارگری بخصوص در روز اول ماه مه باشد، زیرا اتحاد و همبستگی طبقه کارگر میتواند یورشهای سرمایه داری اسلامی را به معیشت و سفره خالی طبقه کارگر پس بزند و بهبود شرایط کار را به دنبال داشته باشد. در چنین شرایطی برگزاری مراسم اول ماه همچون سالهای قبل یا با استفاده از روشهای جایگزین برای ابراز اعتراضات و نشان دادن اتحاد طبقاتی با ابتکارات و شیوههای جدید میتواند گامی در جهت اتحاد و همبستگی بیشتر طبقه ی ما باشد، برگزاری مراسم مشترک چه در قالب راهپیمایی با رعایت پروتکلها بهداشتی یا در اشکال دیگر در اول ماه مه میتواند آغازی بر پایان تفرقه و جدائیهای صنفی و گروهی و فرقه ای باشد.

بدون شک برگزاری مراسم با شرکت اکثریت کارگران یک محل یا یک مرکز تولیدی میتواند بازتاب و تاثیر بمراتب بیشتر و قویتری داشته باشد، هم به لحاظ بالا بردن اعتماد به نفس کارگران شرکت کننده در مراسم و هم تشویق و ترغیب کارگرانی که به هر دلیل در مراسم امسال شرکت نکرده اند برای شرکت در مراسم سال بعد، مراسمهای این چنینی میتواند باعث افزایش آگاهی طبقاتی بطورعلی العموم در بین کارگران باشد، در عین حال به لحاظ تبلیغی در رسانه های جمعی هم میتواند گوشه ای از قدرت طبقاتی عظیم این طبقه را به سایر جنبشهای رادیکال موجود در جامعه نشان داده و تثبیت هژمونی این طبقه بر سایر جنبشهای اجتماعی را در پی داشته باشد و در نهایت آغاز به صدا درآوردن زنگ آماده باش برای گام برداشتن در جهت محو دنیای استثمار و بردگی کارمزدی و هرگونه محرومیت و بربریت نظام سرمایه را با تکیه بر آگاهی طبقه کارگر به نیروی

قرنطینه، (Lockdown)، با حقوق کامل و الزامات آن تنها راه اوضاع خطرناک کنونی

موج جدید کرونا بیشتر از وحشتناک است. فقط در یکروز بیش از ۲۵۰۰۰ نفر مبتلا شدند. ساعتی هزار نفر و بیشتر. تاکنون طبق اعتراف نمایندگان مجلس و وزیر بهداشت، از هر هزار نفر یک نفر بدلیل کرونا فوت شده است. بیمارستانها فی الحال پر هستند، واکسن نیست، تبلیغات حکومتی هم از وعده های پوچ فراتر نمی رود. فاجعه ای تمام عیار پشت در است. تنها راه توقف این زنجیره مرگ قرنطینه وسیع است. این سیاست اگر زودتر اجرا میشد امروز بسیاری زنده بودند، اگر امروز اجرا نشود تعداد بسیار بسیار بیشتری جان شان را از دست می دهند.

هر سیاست اعتراض به این وضعیت ضروری است به موظف کردن فوری دولت و کل حکومت به قرنطینه و تامین نیازهای مترتب بر آن تمرکز کند. این یک راهی مرگبار است و جمهوری اسلامی از آن بنفع فلج جامعه سود می برد. نگذاریم. ما از ابتدا گفتیم و مجدداً می گوئیم؛

دولت را موظف کنیم...

- **بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!**
- **خرید فوری و کافی واکسن های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی، واکسیناسیون رایگان کلیه ساکنین کشور!**
- **بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!**
- **کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفیتی با کاهش ساعات کار باشد!**
- **مقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!**
- **هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!**
- **نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!**
- **کودکان کار، زباله گرد، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!**
- **وسایل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!**
- **پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!**
- **کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
اردیبهشت ۱۴۰۰ - آوریل ۲۰۲۱

اول ماه مه روز اعلام همبستگی و اتحاد بین المللی طبقه کارگر ...

پرتوان خود طبقه و جنبش جهانی آن به دنبال داشته باشد.

روز جهانی کارگر روز اتحاد انترناسیونالیستی طبقه‌ی ما و نمادی از اتحاد و همبستگی کل طبقه کارگر است، سنت اول ماه مه همه جا هست و باید باشد، هر جا کارگران هستند و محرومان زندگی میکنند. روز کارگر میتواند و باید به روزی برای تقویت همبستگی و اتحاد بیشتر طبقه ما تبدیل شود، انجام این مهم بر دوش فعالین و رهبران کمونیست طبقه کارگر در محل کار و زندگی کارگران است.

طبقه کارگر در هر جای این کره خاکی زندگی کند، برای خاتمه دادن به فقر و فلاکت و تحصیل رفاه و خوشبختی چاره ای به جز نابودی نظام سرمایه داری ندارد، برای تحقق این امر باید با پرچم کمونیستی خود به میدان بیاید و انقلاب خود را سازمان دهد تا انسانیت را به یک باره و برای همیشه از توحش و بربریت سرمایه رهایی ببخشد.

در اول ماه مه روز جهانی کارگر باید با صفوف به هم پیوسته ی خود به میدان بیاییم و به جهانیان اعلام کنیم این زندگی و این جهان شایسته انسان نیست. میتوان و باید دنیای بهتری ساخت که در آن از فقر و فلاکت و محرومیت و کشتار و جنگ و خونریزی و تبعیض و آپارتاید خبری نباشد. اعلام کنیم رهایی و آزادی انسان و خوشبختی و سعادت وی در گرو نابودی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است.

۲۲ آوریل ۲۰۲۱-۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

زنده باد شوراها!

**ارگانهای اعمال اراده مستقیم
توده ای را همه جا برپا کنید! در
کارخانه ها و محلات شوراها را
برپا کنید!**

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!

برای اول ماه مه!

احمد بابائی

اول ماه مه آغاز یک جنگ و نه به اتمام رسیدن آن، بلکه روز جهانی اعلام کیفرخواست یک جنبش بین المللی کارگری علیه سرمایه داری است. پلاتفرم اول مه با خون و دفاعیات پرشور رهبران کارگران شیکاگو امضا شده است که ما کارگران برای نجات باید این نظم استثمارگر را بزیر بکشیم. از محاکمه و تیرباران کارگران شیکاگو تا امروز، کارگر و جنبش رهانیبخش کمونیستی کارگری تنها "خطر" واقعی برای نظم سرمایه داری و دولتهای بورژوائی بوده است. اهمیت بزرگداشت اول مه تکرار این حقیقت ساده است که ما کارگران تنها با سرنگونی بورژوازی، کسب قدرت سیاسی و پایان دادن به تبعیض و نابرابری و نظام استثمارگر سرمایه داری میتوانیم خود و جامعه را آزاد کنیم.

جهان امروز فاصله زیادی با تاریخ ثبت اول ماه مه دارد. مبارزه طبقاتی افت و خیزهای زیادی داشته است. سرمایه داری تحولات بزرگی را از سرگذرانده است. اما جنگ و ستیز طبقاتی سرچایش است، انتقاد کارگری و کمونیستی به این نظام سرچایش است، هنوز کمونیسم و سوسیالیسم امید می آفریند و منبع انرژی و حرکت نسلهای متمادی کارگران است.

بدون شک جنبش بالنده کارگری ایران و اعتراضات رادیکال که هر روز بر دامنه و شفافیت آن افزوده می شود، نقطه امید و اتکا برای انقلاب کارگری است. تمایلات سوسیالیستی و خواست رفع تبعیض و نابرابری در جامعه وسیع است. این تنها جنبش رادیکال طبقه کارگر است که پرچمدار این تمایلات است. ایران علیرغم سرکوب و فقر شدید، از نادر کشورهای است که از حکومتی ها تا اپوزیسیون بورژوائی اش، "شبح" و "خطر" کمونیسم را با وحشت به همدیگر گوشزد می کنند. از روحانی آخوند تا مکملی سرمایه دار، از اسلامی و فاشیست تا رضا پهلوی تازه جمهوریخواه، در تقابل با کارگر و کمونیسم در یک صف ایستاده اند. آنها از میان کارگران ناسیونالیست و مذهبی یاریگیری می کنند تا شعبه "کارگری" شان برای بسیج کارگران بزیر پرچم بورژوازی جد و جهد کند! جواب این طیف ضد کارگر را بازنشستگان در شهرهای ایران دادند؛ "دولت سرمایه دار، دست از سر ما بردار!" "ناسیونالیست ها و فاشیست ها و فریدپرستان خودشان را به ما نچسبانند، راه حل ما شوراها است!"

هیچ چیز در مبارزه طبقاتی تضمین شده نیست، هیچ سحر و جادویی در کار نیست، این پراتیک انقلابی است که سرنوشت همه چیز را تعیین میکند. امروز هنوز اختناق اجازه ابراز وجود علنی به احزاب سیاسی از جمله احزاب کمونیستی را نمی دهد اما رقص پرچمها و شعارهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی کران تا کران پیداست! امروز خود طبقه کارگر از یک موقعیت نامناسب اقتصادی و سازمانی رنج میبرد، بخشی از فعالین کارگری یا در زندان هستند و یا خطر زندانی شدن تهدیدشان میکند. اما اینها مثنی از خروارند. این جنبش مانند کوه بخی است که فعلا فقط نوک آن از آب سردآورده است. سرکوب شاید موقتا تعدادی را خاموش کند و یا به گروگان گرفته شوند، اما یک جامعه هشتاد و چند

میلیونی را نمیتوان برای ابد ساکت و به گروگان گرفت. اعتراض و اعتصاب کارگری را نمی توان به بند کشید. جنگ طبقاتی را نمیتوان تعطیل اعلام کرد. این جنگ بعنوان اصلی ترین محور تمام منازعات خود را دیکته می کند و در هر روز اعتراض کارگری و جدلهای اجتماعی جاری است.

سوال اما در روز جهانی کارگر اینست که #تتها_راه_نجات_ما_کارگران_هستیم. حتی اگر کسی نگوید: "می جنگیم، می میریم، حقمون را میگیریم!" باید سختی این جنگ را گوشزد کرد، باید گفت سخت است اما شدنی، باید جان سخت بودن و مقاومت تا آخرین لحظه جمهوری اسلامی به عنوان دولت مدافع سرمایه داری را به خاطر سپرد. باید مداوما تکرار کرد که این جنگ به فرماندهان زبده و هوشیار نیاز دارد، کسانیکه جبهه مقابل کار و سرمایه را به خوبی میشناسند و امکان سنگرسازی برای مقابل را به خوبی مهیا میکنند، به رهبران و سازماندهندگان واقعی نیازمند است که هم سرشار از رادیکالیسم و انقلابیگری کارگری و هم جسور و محبوب کارگران و جامعه اند.

اول مه امسال میتواند شیپور خیزشهای در راه باشد برای تامین نان و لوازم زندگی، برای تامین بهداشت و درمان، برای تامین فوری واکسن و واکسیناسیون، برای اعلام حضور کارگران در صحنه سیاسی. ما در ایندوره به حزب سیاسی انقلابی و کارگری قوی، حزب مارکسیست ها و کمونیست هائی که اهداف آخرشان را اول می گویند، حزبی که قطب نمایش مبارزه رادیکال کارگری و نماینده سیاسی طبقه در مقیاس سراسری است، نیاز داریم. حزبی که استخوانبندی اش را مارکسیست های متعهد و کارگران کمونیست و رهبران رادیکال اجتماعی تشکیل دهند. ما برای پیروزی به جنبش شورائی کارگری، به ارگانهای اعمال اراده توده ای در جامعه، به جنبش مجامع عمومی در متن اعتراضات جاری کارگری نیاز فوری داریم. هم اکنون شوراها و جنبش مجامع عمومی یک خواست و تمایل قوی در جنبش کارگری است، تمایلی که آگاهانه باید به یک حرکت قوی اجتماعی و یک قدرت سایه بدل شود. ما کمونیستهای حکمتیست برای یک انقلاب کارگری و یک نظام سوسیالیستی، نظامی مبتنی بر شوراها مبارزه میکنند. جمهوری اسلامی حتما سرنگون میشود اما پیروزی کارگری در گرو ایجاد و تحکیم این سنگرها است. زنده باد اول ماه مه!

آوریل ۲۰۲۱

دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی،

درمانی، بهداشتی و واکسیناسیون رایگان

ساکنین ایران در شرایط گسترش پاندمی

کرونا است!

زنده باد اول مه!

أفق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمیکند، دین ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالبات بلاواسطه اش، که آنهم در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی مدرن مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۱

www.hekmatist.org

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل

میشود!

منصور حکمت

زنده باد سوسیالیسم!